

تأثیر زمان و مکان در قوانین

« ۴ »

فصل دوم

در قتل قوانین خارجی و تغییر قوانین داخلی هر دو قانون باید مورد مطالعه و مقایسه قرار گیرند .

از امثله و شواهدی که در فصل پیش بیان گردید برای خوانندگان روشن شد که اسباب و عواملی که مستلزم تغییر و یا تنقیح قوانین می‌شوند ، دونوع هستند ، نوع اول اسباب و عللی است که صرفاً ناشی از طبیعت و اوضاع طبیعی است که قانون‌گزار نمی‌تواند آنرا تغییر دهد و نوع دوم علل و اسبابی است که مربوط به تمدن و فرهنگ می‌باشد و تغییر و تبدیل آن امکان پذیر است .

مثلاً تغییر وضع محیط و آب و هوا و تغییر اوضاع جغرافیائی ، تغییرات و اختلافاتی بین ملل ایجاد میکنند که بسیاری از آن ثابت و تغییر ناپذیر میباشد ، لیکن تغییر شکل حکومت و آداب و رسوم و عقاید دینی و مانند اینها نیز هرچند که باعث اختلاف و تغییراتی در میان ملل می‌شود ولی هیچگاه از لحاظ ضرورت و دوام و استمرار بدرجه نوع اول نمیرسد .

ممکن است گفته شود که عوامل طبیعی مؤثر در عوامل اجتماعی و فرهنگی است و همانطور که تغییر عوامل طبیعی غیرممکن است تبدیل و تغییر عوامل اجتماعی نیز امکان ناپذیر میباشد .

مثل اینکه طبیعت و آب و هوای یک کشور موجب می‌شود که قانون‌گزار نتواند فلان قانون یا فلان قانون را وضع نماید ، البته ما نمی‌توانیم منکر تأثیر عوامل طبیعی بشویم و آنرا نادیده بگیریم ، لیکن چیزی که هست آنرا خارج از حدود اقتدار و امکان برای قانون‌گزار نمیدانیم ، بلکه معتقدیم که قانون‌گزار میتواند با درایت و کفایت مخصوص عوامل اجتماعی را ، با اقرار بتأثیر عوامل طبیعی در آن تغییر دهد و سعادت جامعه را تأمین نماید .

تاریخ بشر شاهد صادقی است بر اینکه طبیعت و آب و هوای کشوری بطور کلی منافات با سعادت و آسایش اهالی آن ندارد ، بلکه انسان در هر محیطی که زندگی میکند میتواند دارای حکومت و دیانت و اخلاق و آداب و رسوم باشد که در پرتو آنها سعادت و آسایش نایل گردد .

سراسر جهان از بدو خلقت تا کنون باز یچّه تحولات و تغییرات بوده است ، این

تأثیر زمان و مکان در قوانین

کشور مصر است که روزی خدایان مقتدر و بی‌شماری را پرستش میکردند و امروز حتی بخداوندی والوهیت «زئوس» هم اعتقاد ندارد! بنابراین همانگونه که مصریان با تغییر و تکامل دست از پرستش خدایان مقتدر خود برداشته‌اند، میتوان امروز هندیان را هم از تصدیق بالوهیت «برهما» بازداشت.

توجهی بکشور ایتالیا بکنیم که روزی منبع صادرات تسلیحات جنگی تمام دنیا بوده و امروز بحال سکون و سکوت بسر می‌برد و بدهی است که این سکوت و آرامش امروز را نمی‌توان معلول آب و هوا و طبیعت آن کشور دانست زیرا در آب و هوای آن تغییری پیدا نشده است.

کشور یونان که در قرون گذشته مرکز فعالیت و مهد علم و تمدن بوده و جمهوریهایی آباد و متعددی در آن وجود داشته است، امروز اگر بگوئیم مردم آن‌چون گوسفندانی‌اند که یک نفر شبان برای اداره و سرپرستی آنها کافی است، مبالغه نگفته و راه اغراق نرفته ایم!

نگاهی به پیغمبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بنمائیم که چه نهضت بزرگ و دامنه‌داری در قبایل عرب ایجاد کرد، چه روح شهامت و شجاعتی در آنها پرورش و تقویت نمود، چگونه کلیه افکار و عقاید و آداب و رسوم و قوانین و ادیان کهنه و پوسیده آن‌ان را با کمک و یاری دسته‌ای از یاران خود تغییر داد و تحول کلی در زندگی آنها ایجاد نمود.

اگر شواهد و امثله فوق برای اثبات منظور کافی نباشد، میتوان مؤسس روسیه را (۱) بعنوان شاهد دیگری نام برد. وقتی بکارهای این مرد نگاه کنیم می‌بینیم آنچه را که وی از لحاظ قانونگزاری غفلت کرده نمی‌توان مربوط باوضاع کشور و طبیعت محیط دانست، زیرا با قدرت و نفوذ و سلطه فوق‌تصوری که او در کشور روسیه داشت می‌توانست هرگونه کاری انجام دهد و اگر در نظر او قانونی کامل تر از آنچه که او وضع کرده بود میرسید، باسانی می‌توانست بآن جامه عمل بپوشاند و هرگز طبیعت و وضع جغرافیائی کشور مانع نبود که جلو تصمیم و اراده او را بگیرد، بلکه تنها چیزی که مانع اتمام بنای قانونگزاری او شد و نتوانست چنانکه باید قوانین کاملی وضع نماید، اشتباه و خطای وی بوده است.

بیش از این در این بحث وارد نمی‌شویم و به مباحث مهمتری که مورد نظر است می‌پردازیم، بنابراین شروع می‌کنیم بمسائل و موضوعاتی که در تنقیح قوانین و اجراء آنها رعایت آن لازم میباشد:

قانونگزاری که می‌خواهد در تغییر و تدوین قوانین داخلی از قوانین خارجی استفاده نماید، لازم است نخست آن دو قانون را پس از مطالعه کامل با یکدیگر مقایسه و تطبیق نماید، در این صورت قانون داخلی از نظر حفظ منافع افراد خالی از این سه قسم نیست یا مساوی با قانون خارجی است، یا کاملتر از آن است و یا ناقص‌تر از آن.

(۱) مقصود پتر کبیر است.

تأثیر زمان و مکان در قوانین

البته خیلی کم اتفاق میافتد در صورتیکه قانون داخلی مساوی یا کاملاً از قانون خارجی باشد، قانون خارجی مورد توجه و استفاده قرار گیرد زیرا با وجود قانون داخلی موردی برای تبعیت و استفاده از قانون خارجی پیدا نخواهد شد.

ولی چنانچه تشخیص داده شود که قانون داخلی ناقص‌تر از قانون خارجی است، در اینصورت قانونگذار باید وارد یک بحث مبهم و دقیقی بشود و این نکته باریک را مورد مطالعه و دقت قرار دهد که آیا ضرر نقص قانون داخلی مهمتر و بیشتر است، یا ضرری که برائر تغییر قانون داخلی و نقل قانون خارجی ممکن است حاصل گردد؟

بعبارت دیگر قانون‌گذار باید بین دو ضرر، ضرر بیشتر و مهمتر را تشخیص بدهد، یکی ضرر مرض، دیگری ضرر دوا. تشخیص این موضوع بسیار دشوار و تعیین آن بستگی به تعیین و تحقیق مسائل و موضوعات متعددی دارد که پی‌بردن بآنها کار آسانی نیست، چه در اینصورت لازم است موارد مختلفی از قبیل اینکه ضرر دوا موقتی باشد و ضرر مرض دائمی و مستمر، مورد توجه واقع شود و معلوم و روشن گردد.

همچنین مواردی که باید سعادت و آسایش زمان حاضر فدای منافع و مصالح زمان آینده شود، تفکیک و تعیین گردد، و پس از حل این مسائل باز هم قانون‌گذار نباید در انجام منظور عجله و شتاب نماید، بلکه لازم است منتظر فرصت و زمانی بشود که برای اجرای قانون مذکور مناسب باشد.

در برخی از مسائل مثلاً در مواردی که ضرر نقص قانون داخلی کاملاً روشن یا اینکه فواید تغییر قانون واضح باشد اشکالی در تغییر و تبدیل قانون بنظر نمیرسد و برای تصمیم پابین عمل کافی است که فواید و منافع دو قانون داخلی و خارجی با هم مطابقت و مقایسه شوند.

لیکن در بسیاری از موارد رفع اشکال و اخذ تصمیم آسانی ممکن نیست و محتاج بیک سلسله مطالعات و تحقیقات متوالی میباشد، بطوریکه گاهی بعلت معارضه علل تغییر قانون با علل بقاء آن انسان حیران و سرگردان میماند و نمی‌تواند تصمیمی بگیرد.

قانونگذار در اینگونه موارد نیز نباید دست از کار بکشد، بلکه باید دنباله بحث و تحقیق را بگیرد، تا اشکال و مانع را پیدا کند و شرایطی که برای حل آن لازم است مورد مطالعه قرار دهد هر چند که سرانجام نتواند یکی را بر دیگری بعلت تساوی علل و اسباب و شرایط ترجیح دهد.

روش فوق هر چند که روش کاملی برای وصول به هدف نباشد لیکن این فایده را دارد که بقاء، یا تغییر قانون هیچکدام در نظر قانون‌گذار قابل رجحان نبوده و نمی‌تواند یکی را بر دیگری ترجیح دهد و اگر قانونگذار واقعاً درصدد کشف حقیقت و حل مسئله باشد باید بدون اینکه بگفته دیگران اعتماد کند و با استدلال این و آن تمسک جوید، خود به تحقیقات و مطالعات خویش ادامه بدهد.

این یکی از راههای مفیدی است که انسان میتواند برای کشف حقایق درپیش

تأثیر زمان و مکان در قوانین

گیرد و از این راه می‌توان از روی عقاید و گفته‌های سفیله‌کاران و باوه‌گویان پرده برداشت و آنان را رسوا ساخت.

حقیقت این است که تعمق در مسائل از روی دانش و بینش و دوراندیشی هر چند که تدریجی و بطی و آمیخته باشک و تردید باشد بهتر و مفیدتر از شتاب در انجام کاری است که عواقب آن مورد مطالعه قرار نگرفته باشد.

لیکن نکته قابل توجه این است که دانشمندان و محققانی که می‌خواهد با ایجاد شک و تردید در مردم، آنها را بسوی حقایق رهبری کند، هرگز نباید از آنان انتظار رضایت و سپاسگزاری داشته باشد، زیرا مردمی که پیرو هوای نفس و شهوات آنی هستند قدرت ادامه بحث و تحقیق را ندارند و این روش بهیچوجه تمایلات نفسانی آنان را نمی‌تواند راضی نگهدارد، بلکه در نظر آنان راه خطرناک و مهلکی محسوب می‌شود.

توده مردم از شک و تردید در امور و در نتیجه از تحقیق گریزان هستند و همیشه برخلاف جهت سیر محققان، سیر می‌کنند و بهمین جهت سخنان خطباء و سخن دانان پرگو در روح آنها خیلی بیش از نظریه‌های دانشمندان تأثیر میکند.

اینان نیز خوب پی برده‌اند که احساسات توده را باید با نیروی الفاظ و کلمات تحت تأثیر قرار داد، نه بوسیله تحقیق و پرورش افکار و باز بهمین لحاظ است که اوام و خرافات و باطلی که ستاره‌شناسان و شعبده‌بازان و رمالان، بهم می‌بافند و خود را شفا بخش امراض و نجات دهنده اشخاص معرفی می‌نمایند، مورد تصدیق عوام قرار می‌گیرد و اعتماد آنها را بوسیله عبارات و الفاظ پرطمطراق که ضمن آن توهینی هم از فضلا و محققان می‌شود نسبت بخود جلب می‌نمایند و بدین وسایل بر احساسات آنها حکومت میکنند.

خلاصه آنکه قانون‌گزار باید نفع و ضرر تفسیر قانون را کاملاً بررسی نماید و سپس بان اقدام کند ولی باید دانست که بیشتر مسائل مربوط بشکل حکومت و یا مسائل متعلق بدیانت و مخصوصاً اخلاق، آداب و رسوم از مسائلی است که بقاء آن ضرری نخواهد داشت و قانون‌گزار نباید چندان بان اهمیت دهد و بنظر ما حتی در بعضی از موارد بقاء اینگونه مسائل بهتر از تفسیر آنهاست.

گاهی ممکن است قانونی که در کشوری مفید و مستحسن بشمار می‌آید در کشوری دیگر بعلت اوضاع و احوال مخصوص اثر معکوس داشته باشد و غیر مفید و حتی مضر واقع شود در این قسمت هم باز انگلستان و هندوستان را مورد مقایسه قرار می‌دهیم:

در کشور انگلستان وجود هیئت منصفه در دادگاهها ضروری و مورد توجه خاص میباشد و در آنجا هیئت منصفه را در بعضی از قضایا و دعاوی برای اجراء عدالت بهتر و بی‌غرض تر از قاضی میدانند.

لیکن در هندوستان بعکس قاضی را برای احقاق حق و اجراء عدالت بهتر، منزه تر و بی‌غرض تر از هیئت منصفه میدانند بخصوص اگر آن هیئت منصفه مطابق معمول کشور انگلستان تشکیل شده باشد، زیرا حکومت انگلستان در این کشور متهم به حرص و آز و شرارت و قساوت بود.

تأثیر زمان و مکان در قوانین

قاعده فوق نه تنها در امور حقوقی و قوانین صادق است، بلکه نسبت باآداب و رسوم و اخلاق حتی در مسائل و اعمال دینی (در صورتیکه آنرا از نظر سیاسی مورد نظر قرار ندهیم) نیز صادق و قابل استناد است، چنانکه در کشور هندوستان علاقه مردان به محجوبه بودن زنان خود و وادار کردن زنان بحجاب و همچنین قبول حجاب از طرف زنان ممکن است مستحسن و نیکو محسوب شود در صورتیکه در کشور انگلستان بعکس، نه مردان چنان علاقه و تمایلی دارند و نه زنان آنرا قبول مینمایند.

بنابراین در چنین مواردی که اخلاق و آداب و رسوم که در کشوری باعث سعادت و خوشبختی مردم آن کشور میشود و همان آداب و رسوم در کشوری دیگر ممکن است موجب بدبختی مردم آن بشود، نباید در پی تغییر یا تقلید آن برآمد و نقل و انتقال در اینگونه موارد موافق مصلحت نخواهد بود.

منتسکیو هم باین موضوع توجه داشته و آنرا مورد بحث قرار داده است، لیکن مثل ما روی فرض بحث نکرده، بلکه بیان او طوری است که دلالت برواقعیت موضوع مینماید، چنانکه در فصل یازدهم از کتاب شانزدهم روح القوانین (۱) میگوید:

« تنها تعدد زوجات سبب مقید کردن و نگاه داشتن زنان در حرمسراها نمیشود بلکه تأثیر آب و هوا نیز گاهی سبب میشود که زنان را مقید نمایند و لولاینکه شوهر بیش از یک زن نداشته باشد، بهترین نمونه برای نشان دادن این حقیقت وضع زندگی زنان در مستعمرات « پرتقال » و نواحی جاوه و کشور هندوستان است در این نقاط مردان مطابق دین مسیح حق ندارند بیش از یک زن داشته باشند ولی تأثیر آب و هوای گرم بقدری زیاد است که از آزادی زنان مفاسد و فجایع بسیاری از قبیل کشتن و مسموم کردن و جنایات مهم دیگری تولید میگردد و اگر این جنایات را با عصمت و عفت زنان ترک و ایران و مغولستان و چین و ژاپون مقایسه نمائیم تصدیق خواهیم کرد نه تنها در کشورهایی که تعدد زوجات وجود دارد زنان باید از مردان جدا باشند، بلکه درمالکی هم که مردان بیش از یک زن نمیتوانند داشته باشند باید از آزادی زنان جلوگیری نمود و آنرا از مردان جدا نگهداشت. »

بنظر من عقیده منتسکیو، قابل قبول نیست، زیرا مسلماً آزادی زنان انگلستان در نواحی هندوستان خیلی بیشتر از آزادی زنان پرتقال در مستعمرات آن کشور است، در صورتیکه کسی نشنیده از آزادی آنها مفاسد و جنایاتی نظیر جنایات مذکور واقع شده باشد و اگر منتسکیو دقت بیشتری میکرد اینگونه مفاسد و وقایع را فقط معلول محیط و آب و هوا نمیدانست، چنانکه اگر توجه زیادتری مینمود این موضوع را با تردید بیان میکرد نه با قطع و یقین.

اصولاً برای اینکه کسی بتواند بقوانین کشوری اطلاع کامل حاصل کند و بارزش عملی آن پی ببرد، لازم است دو موضوع را تشخیص دهد، یکی تشخیص

۱ - تحت عنوان: « موردی که زن را باید مقید کرد و لولاینکه تعدد زوجات در بین

تأثیر زمان و مکان در قوانین

موضوع قانون و اینکه قانون با اصل مقصود موافق و متناسب است، و دیگر تشخیص لزوم بقاء قانون پس از تعیین و تشخیص اینکه ضرر تغییر قانون بر بقاء آن غلبه دارد لیکن تشخیص این دو موضوع غالباً کار آسانی نیست، بلکه گاهی بعلت و جهاتی تمیز بین این دو غیر ممکن میباشد.

چنانکه ما در فصل گذشته آداب و رسومی که باید هنگام نقل قوانین مورد نظر قانونگذار قرار گیرند، بیان کردیم ولی در تعیین و تشخیص حسن و قبح ذاتی آنها نتوانستیم وارد شویم و بهین نکته اکتفا نمودیم که خواننده را متوجه سازیم باینکه بحث درباره قانونی از قوانین، یا عاداتی از عادات و یا مسئله ای از مسائل دینی، دلالت بر تصدیق آنها ندارد بلکه باید فقط برای جلب توجه و دقت نظر قانون گزار عرضه گردد تا آنها را مورد استفاده قرار دهد.

منتسکیو در موارد بسیاری با ذکر مثال این دو موضوع را بهم مخلوط کرده و ما برای نمونه یکی از آن موارد را در اینجا ذکر مینمائیم.

وی در فصل شانزدهم کتاب بیست و سوم روح القوانین (۱) قاعده ای بیان کرده که مفاد آن این است:

« هرگاه آب و هوای کشوری برای ازدیاد نفوس و نسل انسان مساعد بوده و تواند و تناسل در آنجا زاید بر محصولات کشاورزی باشد بطوری که مردم از حیث خواروبار در زحمت باشند لازم نیست قانون گزار مردم را با وضع قوانین مکلف بتولید نسل نماید. »

پس از ذکر قاعده سه مثال ذکر کرده که ظاهراً برای تأیید قاعده خود بوده ولی تصور نمیرود که خود او هم بطور کلی آنها را قبول داشته باشد، میگوید:

« در کشور تانکن (هندوچین) و کشور چین پدر میتواند دختران خود را بفروشد و پسران خویش را بفلاسی دهد و در جزیره « فرمز » زنها نمیتوانند قبل از رسیدن بسن بیست و پنج دارای فرزند شوند و چنانکه پیش از این سن حامله گردند راهیه های آنجا با وسایل شکنجه آمیزی جنین را سقط میکنند. »

بین قاعده منتسکیو و قوانینی که برای تأیید قاعده خود مورد استناد قرار داده ایم تناسب زیادی وجود ندارد و راه ارتباط آنها از یکدیگر خیلی دور است.

زیرا اگر بمفاد قاعده او رفتار نمائیم نتیجه این میشود که اگر در کشوری بدون الزام قانونی و بطور طبیعی تولد و تناسل رو باز دیاد باشد و از طرفی هم محصولات کشاورزی طوری باشد که نتواند وضع اقتصادی مردم را تأمین کند، وضع قوانین برای الزام مردم باینکار و کاستن سعادت و آسایش مردم بوسیله ازدیاد نفوس جنون آمیز میباشد.

و اگر بخواهیم مفاد مثالها و شواهد او را در نظر بگیریم نتیجه و مفاد مثال اول که عبارت از فروش دختران باشد، این میشود که بدران بایستی مجاز هم باشند

تأثیر زمان و مکان در فوایل

دختران خود را بدون مشورت و رضایت و با آکراه آنان بشوهر بدهند ، و مفاد مثال دوم این خواهد شد که پدران باید مجاز باشند که فرزندان خویش را بقتل برسانند ، زیرا فرزندان موجب سلب آسایش و باعث زحمت آنان بوده و طفیلی میباشند و قندان آنها هم تأثیری در روح پدرانشان ایجاد نخواهد کرد .

و هرگاه روی مثال سوم قضاوت نمائیم خواهیم دید که هریکانه ای میتواند باسانی صلح و صفای خانوادگی مردم را بهم زده و زندگی زنان را بدون سبب و علت بمخاطره اندازد و او را با شدیدترین وضعی شکنجه دهد .

بطوریکه ملاحظه میشود خیلی مشکل است که ما بتوانیم بحقیقت گفته های منتسکیو و مقصود واقعی وی آگاه شویم و چنین بنظر میرسد که اوحقیقت را بهم مخلوط کرده است ، قاعده ای وضع نموده و برای تأیید آن سه مثال ذکر کرده که هر کدام از آنها رابطه خیلی اندک با آن قاعده دارند ولی منتسکیو همه آنها را مرتبط با قاعده خود دانسته است . (۱)

۱ - برخلاف نظر بنتام ، بیان منتسکیو صریح و روشن و فهم آن بدون اشکال بنظر میرسد ، برای تأیید این موضوع تمام گفته او را در اینجا نقل مینمائیم :

« مقررات مربوط بکم و زیادای افراد یک کشور مربوط بعوامل مختلفی است »
« و قانونگذاران هر وقت بخواهند در صدد ازدیاد و یا تقلیل افراد یک کشور برآیند »
« آن کیفیات را تحت نظر میگیرند . ولی کشورهایی وجود دارد که قانون گزاران برای »
« ازدیاد نفوس دخالتی نمیکند و مقرراتی وضع نمینمایند ، زیرا اوضاع طبیعی آن »
« کشورها بخودی خود باعث افزایش سکنه میشود و دخالت قانونگذار مورد پیدا »
« نمیکند ، بدیهی است وقتی آب و هوای یک کشور باعث ازدیاد سکنه آنجا شد دیگر »
« دلیل ندارد قانونگذار در این امر مداخله نماید و مقررات خارجی وضع کند تا مردم »
« فرزندان بیشتری بوجود آورند . گاهی آب و هوای یک کشوری برای ازدیاد نسل »
« انسان مساعد است اما وضعیت تولید محصول زمین اجازه نمیدهد که کشور دارای »
« جمعیت زیاد باشد بهمین جهت است که در کشور چین هر چند سال یکمرتبه میلیونها نفر »
« از لرستگی می میرند ، همین علت یعنی مساعدت آب و هوا وعدم مساعدت زمین »
« در کشور تانکن (هندوچین) نیز همان اثر را میبخشد و باعث سرگ عده زیادای »
« از افراد در اثر گرستگی میشود و بهمین جهت است که سکنه کشور چین ونقاط دیگر »
« دخترهای خود را میفروشند و فرزندان خود را بغلامی میدهند . عقیده بعضی از جهان »
« گردان غرب که شرح مسافرت آنان را « رنودو » ذکر کرده در مورد فروش دختران »
« صحیح نیست ، زیرا آنان اینکار را معلول علل روحی دانسته و گفته اند ، عامل »
« اخلاقی ومعنوی باعث فروش دختران میشود ، بطوریکه گفته شد این رسم بواسطه »
« مساعد بودن وضعیت زمین و محصولات پیدا شده است ، چنانکه همین علت یعنی »
« مساعد بودن آب و هوا برای ازدیاد نفوس وعدم مساعدت زمین برای تولید کافی باعث »
« شده که در ژاپن زنها نمیتوانند دارای فرزند بشوند مگر اینکه سن آنها از ۲۵ سال کمتر »
« نباشد و چنانچه قبل از این سن بارور گردند راهبه های ژاپنی وسایل سقط جنین رافراهم »
« خواهند نمود . »
(از کتاب : روح القوانین ترجمه آقای مهدی) مترجم